

یادداشت

تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین " با شعار و فرمان ممکن نیست!

صادق کار



علی خامنه‌ای در سخنرانی اش در عید امسال پس از لاف و گزافه گویی های همه ساله در مورد پیشرفت علم و تولید در کشور و تمجید و تعریف کاذب از دولت صد درصد ولایی خود، برای چندمین بار بازهم سال جدید را سال تولید آنهم از نوع "دانش بنیان اش" نام نهاد.

خامنه‌ای در توضیح نام امسال برگزیده خود گفت "منتها یک لایه‌ی جدید، یک چهره‌ی جدید از تولید را میخواهم مطرح کنم و آن عبارت است از تولیدی که دارای دو خصوصیت باشد: یکی اشتغال آفرین باشد، یکی اینکه دانش بنیان باشد. تولید دانش بنیان، متکی به دانش، دانش جدید و پیشرفتهای علمی، و تولیدی که اشتغال آفرین باشد".

البته شعار خوبی است، فکر نمی کنم هیچ انسان آزاده و مردم دوستی که دغدغه توسعه و رفاه مردم کشورش را داشته باشد با چنین شعار و آرزویی مخالفت داشته باشد. منتها اشکال اش آن است که مانند سالهای گذشته تیری است که در تاریکی پرتاب می شود و اگر خراب نکند، که می کند، آباد هم نمی کند. خامنه‌ای ساله‌ای متمادی است که از این تیرها شلیک کرده ولی هیچکدامشان به هدف اصابت نکرده‌اند.

تا جایی که من بخاطر می آورم او حداقل پنج شش سالی می شود که نام تولید را بر روی همه این سالها نهاده است. با این وصف هر ساله تولید بجای پیشرفت پس رفت کرده است و تا ۱۷ درصد هم رشد منفی داشته است.

با این همه او بدون اینکه لختی به نتیجه کار خود بیندیشید و خود را با این نامگذاری های بد فرجام مضحکه عام و خاص نکند، همچنان با سماجت به این کار خود ادامه می دهد و گویی براستی در این اوهام قرار



دارد که می تواند با فرمان های سالیانه مشکل تولید و اقتصاد را رفع و رجوع کند. او در همه این سالها همان نام های هر ساله را با افزودن پسوند و پیشوندهایی سال تولید نامگذاری می کند و آنرا گویی کشف بدیعی کرده است به خورد مردم می دهد.

با این سابقه و نتیجه مشخص نیست وقتی که تولید به مصیبتی که در چند سال اخیر به آن دچار شده مبتلا ست و حکومت با همه ید و بیضای اش نتوانسته آنرا از رکود خارج کند، خامنه‌ای روی چه حساب و کتابی گامی فراتر بر می دارد و نام امسال را سال تولید "دانش بنیان" می گذارد، آیا این نام این کار چیزی غیر از یک فریبکاری ست؟

با شعار صدور فرمان اگر امکان داشت کسی به هر چه که آرزو میکرد می رسید با این همه شعار که طی ۴۳ ساله گذشته حکومتی ها داده‌اند، الان دیگر نمی بایست هیچ مشکلی در کشور وجود می داشت.

پیدا است که این بار نیز شعار سال خامنه‌ای سرنوشت بهتری از شعارهای سالهای گذشته اش پیدا نخواهد کرد. زیرا مانند موارد پیشین نه اثری از تدارک امکانات و ملزومات آن در دست است و نه شرایط یک کشور تحریم شده اجازه این کار را می دهد. در کشور هم فعلا چنان تغییری در حال انجام نیست که اجرای چنین شعارهایی را میسر سازد. دولت کارگزار ولی فقیه هم ضعیفتر و فاسدتر از آن است که ظرفیت انجام چنین اموراتی را بتواند به عهده بگیرد و از پس آن برآید. کما اینکه دولتهای پیشین نیز نتوانستند شعارهای سالیانه قبلی خامنه‌ای را به عمل درآورند.

جای دور نرویم این دولت مگر تا کتون توانسته است به کدام یک از وعده‌هایی که به مردم داده بودند، عمل کند که عملی کردن تولید دانش بنیان دومین آن باشد؟ مگر نه این است که فرامین خامنه‌ای را همین دولت است که بایست عملی نماید؟

وزیر صنعت و معدن این دولت مگر وعده تولید ۳ میلیون خودرو جدید در سال او وزارت اش را نداده بود و مگر نگفته بود قیمت خودرو را ۳۰ درصد هم پائین می آورد، چرا قیمت خودرو بالا تر رفت و افزایش تولید عملی نشد؟ مگر وزیر شهرسازی قرار نبود سالی یک میلیون مسکن بسازد و وزیر کار یک ساله دو میلیون شغل جدید بوجود آورد و مگر قرار نبود تورم مهار شود. رهبر جمهوری اسلامی اگر می تواند این وعده‌های روی زمین مانده را ابتدا عملی کند، تولید دانش بنیان پیشکش شان. کار بی اعتباری فرمانهای این چنینی خامنه‌ای و رئیسی به تمسخر عام و خاص کشیده شده و مردم به غیر از عده قلیلی از کاسه لیسان حکومتی واقعی به این حرفها نمی گذارند. اکنون همه می دانند که مانع اصلی آزادی و توسعه‌ی علم و فنون و دانش که از ملزومات تولید دانش بنیاد می باشد کسی غیر از رژیم فقهاتی و در راس آن شخص خامنه‌ای نیست. در ایران نیروی کار مستعد و خلاق و مبتکر و مسلح به علم و دانش که بتواند کشور را از این همه عقب ماندگی و فقر و بدبختی که رژیم فقهاتی بر مردم و کشور تحمیل کرده برهاند وجود دارد، باید مانع اصلی را از سر راه برداشت.

**از مبارزات کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش حقیقی
دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!**

**خواست کارگران و مزد و حقوق بگیران افزایش دستمزد متناسب با هزینه های واقعی
زندگی است!**



کارگران جهان متحد شوید! بخش سوم

(Ronaldo Munck) رونالدو مونک



منادیان همبستگی فراملی - ادامه

در جهان به سرعت در حال تغییر و به هم پیوسته ما، کارگران با این موانع و بسیاری موانع دیگر روبرو اند. با این حال، تأکید صرف بر موانع به سادگی نوعی بدبینی را موجب می شود. جهانی شدن می تواند همچنان که درهائی را می بندد، درهائی را نیز بگشاید. مثلاً در ابتدایی ترین سطح، جهانی شدن ارتباطات به مقابله با یکی از مهیب ترین موانع در برابر اقدام مشترک جهانی برخاسته است. کارگران از ایمیل، رسانه‌های اجتماعی و دیگر پلتفرمهای آنلاین - از این ابزارهای بسیار کارا تر - برای سازماندهی در سراسر کشورها بهره می گیرند؛ تصور کنید یک قرن پیش را که تلاش می کردید یک اعتصاب فراملی را سازماندهی کنید. علاوه بر این، ارتباطات جهانی شده همبستگی را تقویت می کند، زیرا کارگران می توانند از این طریق شرح حال یکدیگر را ببینند، بشنوند و به اشتراک بگذارند. با نگاهی به آینده، پیشرفت در نرم افزار ترجمه می تواند به پر کردن شکاف زبانی کمک کند و در نتیجه راه های جدیدی را برای گفتگوی میان فرهنگی باز کند. ای بسا سرمایه داری جهانی شده پایه و اساس طبقه کارگر جهانی جدید را، نه تنها در شرایط مادی هستی آن، بلکه همچنین برای نیل به آگاهی، فراهم آورده باشد.

اتحادیه گرائی فراملی می تواند اشکال مختلفی بپذیرد. این نوع سازمانیابی می تواند به عمل در میان مدیران اجرائی اتحادیه یا در میان پایگاه مردمی آن دست زند، کما این که سازماندهی می تواند متوجه محل کار باشد یا بر اساس همکاری با سازمان های غیردولتی در کمپینهای موضوعی شکل گیرد. اتحادیه



گرانی فراملی موفق این ظرفیت را دارد که از پیچیدگیها گذر کند و در سطوح مختلفی عملکرد داشته باشد. اتحادیه های فراملی مشخصاً با سازماندهی اقدامات فراملی کارگری، تشکیل ساختارهای فراملی جدید و تقویت همبستگی با کارگران مهاجر در جامعه خودی، از جهانی شدن به نفع خود بهره گرفته اند.

وقتی یک شرکت فراملینی مراکز تولید خود را در سراسر کشورها می پراکند، در نتیجه نیروی کار را توزیع می کند. گسترش جغرافیایی نیروی کار نیز به نوبه خود نقاط اتکای اهرم اقدام برای سازماندهی نیروی کار را در برابر شرکت افزایش می دهد. این واقعیت را کارگران شرکت هواپیمایی ارزان قیمت ایرلندی رایان ایر به خوبی درک می کنند. از مایکل اولری مدیر عامل رایان ایر، از همان زمان تأسیس آن در سال 1984، از مخالفان سرسخت سازمانیابی اتحادیه ها بود، اما کارگران ترجیح دادند به او وقعی ننهند. آنها در اواسط سال 2018 دست به اعتصاب زدند. اعتصاب از ایرلند شروع شد و سپس در سراسر اروپا گسترش یافت. مطالبات کارگران افزایش دستمزد، اشتغال مستقیم و قراردادهای کار دسته جمعی منطبق با قوانین کار ملی بود. مدیریت که از موقعیت فراملی خود برای قرار دادن کارگران در برابر یکدیگر بیشترین استفاده کرده بود، حال با نیروی کار سازمانیافته فراملی متحد روبرو می شد.

کارگران همچنین با مشارکت با متحدان اش در حلقه های مختلف زنجیره تولید، که در سطح جهانی گسترده است، قدرت خود را نشان داده است. کمپین ضد بیگاری در صنعت پوشاک نشان داد که چگونه اقدام مستقیم دانشجویان در ایالات متحده می تواند از سازماندهی کارگران در هندوراس حمایت کند. معمولاً کارگران بخش پوشاک در زنجیره های تولید جهانی در مقایسه با شرکت های پرتحرک و پرسود مانند نایک ضعیف تلقی می شوند. اما دقیقاً این دست شرکتها در برابر تحریمها آسیب پذیر اند. اتحادیه های فراملی متمرکز بر یک صنعت یا کشور خاص، قدرت قابل توجهی در تنظیم سهم بازار و در نتیجه تقویت تقاضاها در نقطه تولید دارند.

چشم انداز اقتصادی جدید، علاوه بر امکان اقدامات خاص، باعث ایجاد ساختارهای سازماندهی جدیدی نیز شده است، زیرا اتحادیه های کارگری متوجه شده اند که روش های قدیمی عمل دیگر نمی توانند کافی باشند. در دهه 1960، دبیرخانه اتحادیه های بین المللی که امروزه به نام فدراسیون اتحادیه جهانی یا GUF شناخته می شود، از تشکیل شوراهای شرکت های جهانی شروع به پاسخگویی به افزایش شمار شرکت های چندملیتی و گسترش جهانی آنان کرد. شورا شرکت جهانی برای اولین بار توسط کارگران متحد خودرو و بنیاد بین المللی فلزکاران تأسیس شد و فعالیتهای اتحادیه های کارگری ملی مختلف را در عملیات یک شرکت چندملیتی هماهنگ کرد. با این حال، بعداً آشکار شد که این شوراها قادر به ایجاد ثبات و تداوم مورد نیاز برای دستیابی به قدرت چانه زنی جمعی فراملی نیستند؛ امری که اتحادیه ها امیدوار بودند در سطح جهانی بسط دهند.

دستمزد و حقوق و سایر مطالبات کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته باید به موقع و منظم پرداخت شود!

از مبارزه و مطالبات معلمان و فرهنگیان حمایت کنیم!

اعتصاب و تشکل جزء حقوق بدیهی کارگران و مزد و حقوق بگیران است!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکا و تشکلهای مستقل کارگری حمایت کنیم!



دستمزدهای زیر خط فقر و فزون خواهی روسای اتاقهای بازرگانی

صادق



میزان افزایش اسمی ۵۷،۴ درصد به دستمزد حداقل بگیران برای سال ۱۴۰۱ به شدت مورد اعتراض کارگران قرار دارد. انتظار می رود که با پایان یافتن تعطیلات نوروزی و حذف ارزشزحیحی اختصاص یافته به واردات کالاهای اساسی و مشخص شدن تأثیرات آن روی معیشت و زندگی مزد و حقوق بگیران کار اعتراض به دست پخت امسال شورای عالی کار بیشتر از حالا بالا بگیرد.

پیشبینی گسترش اعتراضات آن قدر محرز می نماید که حتی تعدادی از کارگزاران حکومت در تشکلهای و امورات کارگری امثال علیرضا محجوب، حسن صادقی و اکبر شوکت را هم ظاهراً از همین حالا وادار به اعتراض نرم همراه با دادن هشدار نموده است.

اکبر شوکت (رئیس کانون سراسری انجمنهای کارگران ساختمانی) به خبرگزاری ایلنا گفت: "در بخش ساختمان در سه سال گذشته حدود ۷۰۰ درصد تورم داشتیم. قیمت ساخت یک بنا در سال ۹۷ متری یک میلیون تومان بود اما در سال ۱۴۰۰ به متری ۷ تا ۸ میلیون تومان رسید. در مورد کالاهای دیگر نیز همین افزایش قیمت چند صد درصدی را داشتیم؛ به طور مثال گوشت کیلویی ۲۵ - ۳۰ هزار تومان ابتدای سال ۹۷ به کیلویی ۱۶۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۰ رسید. این درحالیست که این نرخ تورم در دستمزد کارگران لحاظ نشد. در سال ۱۴۰۰ شاهد فقیرتر شدن مردم و به خصوص کارگران شدیم و امیدواریم دولت و مجلس با تصمیمات اشتباه وضعیت را در سال آینده بدتر نکنند."



علیرضا محجوب نیز گفت: "حذف ارز ترجیحی افزایش دستمزد سالیانه را بر باد می دهد".

روسا و سخنگویان کارفرمایان و روزنامه و رسانه های متعلق و هم خط و ربط با آنان نیز مانند سالهای گذشته که اساسا هر ساله به بهانه های مختلفی با هر اندازه افزایش ظاهری در دستمزدها عادت کرده اند حتی پس از تصویب در شورای عالی کار علیه آن تبلیغ و تهدید بنمایند، امسال نیز به مخالفت با آن برخاسته و کارگران را تهدید به اخراج می کنند.

حسین جوشقانی در ۲۸ اسفند در مقاله ای که با عنوان "سال عدم قطعیت" در روزنامه دنیای اقتصاد منتشر کرد پس از تأیید حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی کالاهای اساسی و دارو، به افزایش ۵۷،۴ درصدی دستمزد حداقل بگیران نیز ایراد گرفت و آن را دخالت در کار بازار خواند و نوشت: "فکر می کنم سیاست شکست خورده دلار ۴۲۰۰ تومانی، عیان ترین درسی است که از سال ۱۴۰۰ می تواند بگیرند. نکته ناراحت کننده و غم انگیزی که این درس داشت، این بود که همزمان با تعیین تکلیف شدن ارز ترجیحی، به فاصله چند روز بعد از آن وزیر رفاه که مدرس اقتصاد است، ۵۷ درصد حداقل حقوق را برای قشری از کارگران افزایش داد و ادعا کرد که با نظارت بر بنگاه ها، مانع تعدیل نیرو خواهند شد. این موضوع نشان می دهد که هنوز هم سیاستگذاران از موضوعاتی مانند دلار ۴۲۰۰ تومانی عبرت نگرفته اند. وقتی در بازارها مداخله می کنید، چه بازار پول، چه بازار ارز و چه بازار نیروی کار،...". صحبت های این اقتصاددان طرفدار بی کم و کاست سپردن اختیار انسان و کالا به مکانیسم بازار صراحت دارد. نتیجه عملی این رهنمود می شود چند برابر شدن قیمت کالاهای که با ارز ترجیحی فروخته می شد و عدم افزایش دستمزد ها.

و "خسرو فروغان گران سایه" رئیس کمیسیون بازرگانی اتاق بازرگانی نیز در اظهارات اعتراض گونه ای که نسبت به سیاستهای دولت ایراد نمود و متن آن در سوم فروردین توسط روزنامه آفتاب منتشر شد نوشت: به نظر می رسد اتفاقاتی که رخ داده برای حوزه بازرگانی داخلی ما اتفاقات خوبی نیست. حداقل دستمزد حدود ۵۷ درصد افزایش داشته ..."

این مخالفتها همراه با تهدید هایی توسط عده دیگری از مقامات کارفرمایی در حالی انجام می گیرد که اولاً ۵۷،۴ درصد به اصطلاح افزایش سطح دستمزد حداقل بگیران را به ۴ میلیون و ۱۷۹ هزار تومان می رساند که این مبلغ کمتر از نصف هزینه سبد خانوار است که توسط شورای عالی کار به تصویب رسیده، ثانیاً این مقدار تنها شامل حداقل بگیران می شود و سایر سطوح مزدی تنها ۳۸ درصد افزایش داده شده و ثالثاً نمایندگان سازمانهای کارفرمایی در شورای عالی کار زیر مصوبه را امضا کرده اند.

دستمزد مصوب در واقع محکوم کردن کارگر و خانواده اش به سر کردن با زندگی نیمه گرسنه است. کما اینکه داده های کارشناسی هزینه سبد خواربار را بین ۱۴ تا ۱۶ میلیون برآورد کرده اند و تشکلهای وابسته به حکومت نیز هزینه های خانوار را ۱۱،۲ میلیون محاسبه نموده اند. از اینها که بگذریم کارفرما خود هر ساله بیشتر از افزایش هزینه ای که پیدا می کند قیمت کالاها و خدمات خودشان را از مشتریان شان می گیرند

کارگران و مزد بگیران به هیچ وجه با این دستمزد به ظاهر افزایش داده شده هم نمی توانند حداقل نیازهای اولیه زندگی خانواده هایشان را تامین کنند و مجبور هستند بخشی از آن را با اضافه کاری طولانی و کار دوشیفته تامین کنند که فشار مضاعف جسمی و روحی مضاعفی برای آنان ایجاد می کنند و به سرعت آنان را فرسوده می کند.



دستمزدها هر چه کمتر باشد از جهات مختلف بیشتر به منفعت کارفرمایان و طبعا به زیان کارگران است. یکی بدترین و فرساینده‌ترین این جهات تن دادن ناگزیر کارگر به اضافه کاری با شروطی است که نه قانون بلکه کارفرما تعیین می‌کند. این رویه در سالهای اخیر با شدت گرفتن نیاز مالی کارگران بیشتر و بیشتر معمول گشته است. گاهی نیز اضافه کاری طولانی موجب خودکشی و یا مرگ ناشی از فشار و خستگی کارگر شده است. سود اضافه کاری برای کارفرما بسیار بیشتر از استخدام کارگر تازه است. بنا بر این اخراج دسته جمعی کارگران که با فوت و فن کار و محل کار آشنا هستند بسود خود کارفرمایان هم نیست. وانگهی کارفرما مطابق قوانین موجود نمی‌تواند به کارگران تازه استخدام شده نیز کمتر از دست مصوب قانونی بدهد.

تهدید به اخراج بخاطر چندرغاز دستمزد اضافه آنهم در وضعیتی که سهم کارگر از محصول تولید شده به زحمت به ۱۰ درصد و حتی کمتر از بنگلادش است، نهایت سودخواهی کارفرمایانی را می‌رساند که تنها ب فکر افزودن بر سود خود هستند و بس و آسایش را برای کسانی که برایشان ثروت تولید می‌کنند نمی‌پسندند. طبعا در همه جای دنیا کارفرمایان به فکر افزودن بر سودهای خود هستند، اما در ایران و کشورهای مشابه ایران وضعیت بدتر است. زیرا که دولت سرمایه‌داری غارتگر نوکیسه و بد عادت بر سر کار است که به هیچ قانون و قاعده‌ای حتی قوانین موجود پایبند نیست و مفری جز زور و سرکوب برای خود نمی‌بیند. یعنی از کسانی که قوانین خودشان را هم بر نمی‌تابند نباید انتظار رفتاری غیر از این را داشت. کارخانه داری بر خلاف ادعاهای روسای اتاق‌های بازرگانی و کارفرمایی که همه ثروت و درآمد کشور را برای خودشان و حق خودشان می‌دانند، سود چند طرفه زیادی دارد. کارگر و انرژی ارزان، مالیات کم، انواع امتیازات و تخفیف‌های گمرکی و بازار مصرفی بزرگ و دنج و کم رقابت و سیستم دولتی فاسد.

اگر تولید و تجارت در هم تنیده شده تاب تحمل چندرغاز افزایش ظاهری دستمزد کارگر را ندارد پس این همه ثروت و سرمایه صاحبان سرمایه و تجارت که نزد آنان انباشته شده از کجا آمده‌اند؟

در مقابل همه ی این امتیازات اما آنان نمی‌خواهند آنقدر به آفرینندگان واقعی ثروت هایشان دستمزد بدهند که شکمشان را سیر کند!

متحدانه برای آزادی کارگران، معلمان و زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم!

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمت‌ها مبارزه کنیم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



در این هفته به دلیل تعطیلات نوروزی و کارگری "گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته" را استثنا به تاخیر در پرداخت حقوق پایان سال . بازنشستگان کشوری اختصاص داده ایم .

دولت در ماه پایانی سال گذشته بر خلاف معمول که حقوق های بازنشستگان کشوری را چند روز زودتر از پایان اسفند پرداخت می کرد نتوانست و یا نخواست حقوق بیش از دو سوم ۱،۶ میلیون بازنشسته تحت پوشش صندوق بازنشستگی کشوری را پرداخت کند. تاخیر در پرداخت حقوق های ناچیز بازنشستگی که در روزهای ۲۵ و ۲۶ هر ماه پرداخت می شد به اعتراض و نارضایتی در میان این گروه از بازنشستگان که از پیش نیز به دلیل افزایش نیافتن حقوق های خود و نیمه کاره ماندن اجرای طرح همسانسازی به شدت معترض و عصبانی بودند افزود.

خبرگزاری مهر در ۲۸ اسفند در گزارشی که با عنوان "ابهام در پرداخت حقوق اسفند بازنشستگان کشوری" منتشر کرد با ذکر نگرانی بازنشستگان از تاخیر در پرداخت زمان حقوق های بازنشستگی که قرار بود در پایان ۲۸ اسفند انجام گیرد نوشت: "بر اساس برنامه ریزی صورت گرفته، حقوق بازنشستگان بایستی از سوی سازمان برنامه و بودجه تأمین اعتبار و پس از واریز به خزانه به حساب بازنشستگان به صورت متمرکز واریز شود. این در حالی است که با گذشت زمان مقرر از واریز حقوق اسفند بازنشستگان، فقط ۵۰۰ هزار نفر از بازنشستگان صندوق بازنشستگی که سقف حقوق آنها ۵ میلیون تومان است، حقوق خود را دریافت کرده اند و بالغ بر یک میلیون بازنشسته صندوق بازنشستگی کشوری تا کنون حقوق اسفندماه خود را دریافت نکرده اند.



بر پایه برخی گزارشات برخی مسئولین دولتی مرتبط با صندوق بازنشستگی کشوری پرداخت حقوق بازنشستگانی را که بیش از ۵ میلیون می گیرند مشروط به تصویب اعتبار نموده و وعده پرداخت آن را بصورت مرحله به مرحله داده بود. و هنوز هم به درستی معلوم نیست تا چه حد به وعده داده شده عمل کرده است.

بهر جهت تاخیر کم سابقه در پرداخت حقوق های شب عید بازنشستگان حاکی از تصمیم دولت برای بار کردن سنگینی کسر بودجه روی دوش مزد و حقوق بگیران دارد. سیاستی که در سالهای گذشته نیز اعمال گردیده ولی در دولت یک دست شده رئیسی ابعاد بیشتری به خود گرفته است. یعنی دولت کنونی که در زمان روحانی نقش دولت سایه را بازی می کرد و در جلد عدالتخواهی رفته بود و سیاستهای مزدی و معیشتی دولت روحانی را مورد حمله قرار می داد، پس از قبضه دولت و مجلس همان سیاستها را خود با شدت و خشونت به مراتب بیشتری از دولت روحانی در پیش گرفته است و روز به روز هم بر شدت آن می افزاید. این در حالی است که شدت اعتراضات نسبت به سیاستهای حکومت نیز مرتبادر حال افزایش بوده اند. اصرار بر ادامه رویکردهای فرق افزا و ویرانگر با وجود شدت گرفتن اعتراضات نشان می دهد که حکومت برای پیشبرد سیاستهای ضد مردمی خود مصمم به نظر می رسد و متوقف کردن آن نیازمند اعتراضات گسترده تری است. به عبارتی مقابله با رویکردهای عدالت ستیزانه حکومت یک دست، نیازمند متحد شدن نیروی کار و زحمت و همراهان و همزمان آن است.

آنطور که از گزارش این خبرگزاری بر می آید، علت تاخیر در پرداخت حقوق بازنشستگان ظاهرا عدم تامین اعتبار بودجه توسط سازمان برنامه و بودجه بوده است. علی خدای مدیر کل امور مالی صندوق بازنشستگی کشوری نیز تقصیر را به گردن رئیس سازمان برنامه و بودجه انداخته است و خبرنگار مهر را برای دانستن علت به رئیس سازمان برنامه حواله داده است. خبرگزاری مهر البته در مورد کم و کیف زمان پرداخت حقوق بیش از یک میلیون بازنشسته دیگر اطلاعی نداده است.

همچنین بنا به برخی گزارشها حقوق اسفند ۱۴۰۰ بازنشستگان کشوری نیز دیرتر از سالهای گذشته پرداخت شده اند. علت تاخیر در پرداخت حقوق های بازنشستگان کشوری و لشگری هنوز به روشنی توسط مسئولین مربوطه بیان نشده است. علت هم می تواند کمبود بودجه و به ته دیگ خوردن کفگیر بودجه دولت و حیف و میل دارایی های صندوق های بازنشستگی باشد و هم یک رویه تازه برای سرکوب تقاضای افزایش حقوق های بازنشستگی و امتناع از همسان سازی حقوق ها. چرا که در سال گذشته اعتراضات خیابانی بی سابقه ای از طرف گروه های بازنشستگی مختلف برای افزایش حقوق های بازنشستگی و اجرای قانون همسان سازی واقعی انجام شده است که انتظار می رود در سال جاری پرشمارتر و پردامنه تر از سال گذشته بشوند و گروه های مختلف بازنشستگان برای اعتراض به هم بپیوندند.

از آنجا که سیاست رسمی حکومت کلا تعدیل دستمزدها و حقوق هاست و مجلس در هماهنگی با دولت با عدم اختصاص بودجه برای همسان سازی و افزایش تنها ۱۰ درصد به حقوق کارکنان شاغل و بازنشسته رویکرد خود را نشان داده است، به نظر می رسد دولت و مجلس به مرگ گرفته اند تا مزد و حقوق بگیران را به طب راضی کنند. پرداخت نکردن به موقع حقوق و دستمزدها نیز شق دیگری از همین رویه است که بطور فزاینده ای در حال تعمیم یافتن از واحدهای تحت مالکیت بخش خصوصی به واحدهای تحت مالکیت بخش دولتی است. امتناع از پرداخت کردن به موقع حق کارانه و دیگر آیتم های مزدی پرستاران و کارکنان بخش درمان به رغم اینکه بکرات موجب اعتراض آنان گردیده و پدیده تامین نیروی مورد نیاز دولت از شرکتهای دلال نیروی کار، نیز در این مقوله می گنجد. اندکی تعمق روی مواضع و طرح های رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت به نوبه خود در همین راستا قرار دارد. افزایش اسمی ۱۰ درصد به حقوق کارکنان دولت با وجود نرخ رسمی تورم ۴۲ درصدی و تلاش وی برای کاهش عیدی و میزان افزایش دستمزد سالانه کارگران موسسات دولتی کمترین جای تردیدی در این مورد باقی نمی گذارد. وابستگان به قدرت و وزرا و مدیران دولتی و همچنین نمایندگان مجلس فرمایشی تصور می کنند که گویا با اراده گرایی و طرح ها و قوانین ابلهانه هر چه را که دلشان می خواهد می توانند به جامعه حقه کنند و مشکلات را از سر راه خود



بردارند. آنها با تعدیل حقوق و دستمزدها در واقع جمعیت بیشتری را به زیر خط فقر مطلق می فرستند و در همان حال فرمان از بین بردن خط فقر مطلق را صادر می کنند! این رفتار از دو حال خارج نیست. یا از روی جهل و حماقت است، و یا از روی فریبکاری که نتیجه هر دوی شان یکی است و آن افزایش جمعیت زیر خط فقر مطلق و افزودن بر رنج و درد مردم است. حتی اگر قضیه به دلیل کمبود بودجه هم باشد، بازهم تأثیرش در عمل فرقی نمی کند. راه مبارزه موثرتر با سیاستهای فقر افزای حکومت نیز افزایش اعتراضات و همبستگی فشرده مبارزاتی برای دره شکستن سیاستی است که قصد بی حقوق کردن کارگران و مزد و حقوق بگیران را دارد.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

دولت موظف است به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت نماید!

راه رهایی زحمتکشان از فقر و بی حقوق در همه حال اتحاد، همبستگی و سازمانیابی است!



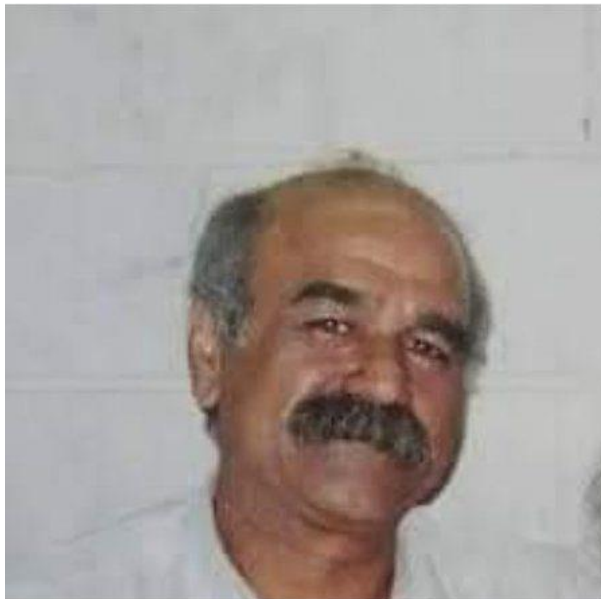
ژاله روحزاد معلم و فعال صنفی فرهنگیان

همسر آقای اسماعیل گرامی فعال کارگری زندانی در زندان تهران بزرگ

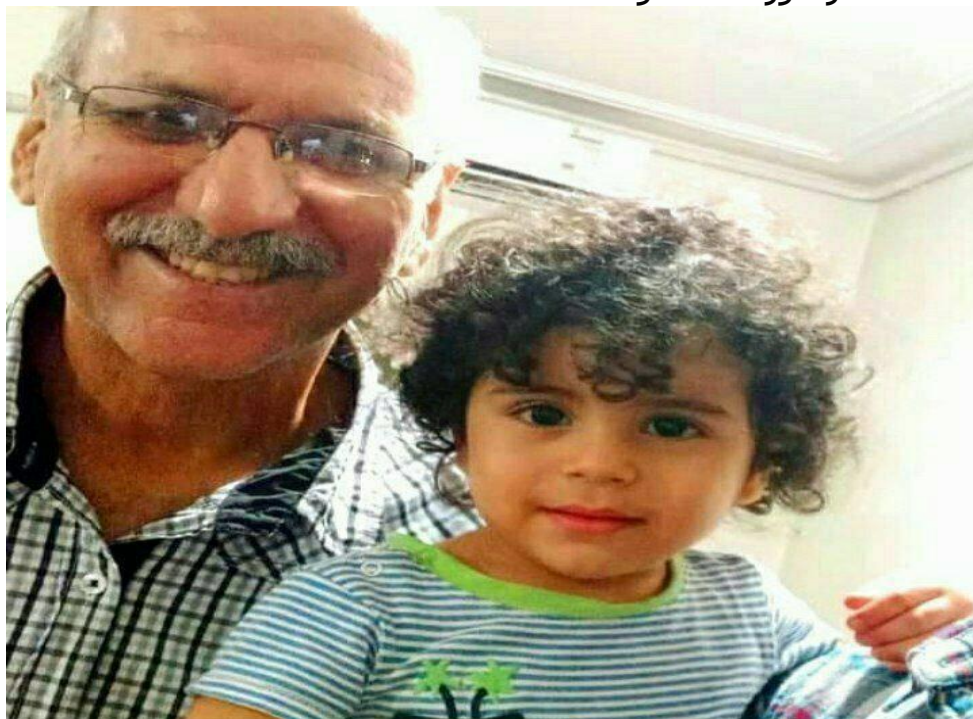
تاریخ احضار 22 دیماه 1400 بازپرسی شعبه ی 2 دادسرای مقدس اوین

تاریخ رسیدگی در شعبه ی 26 دادگاه انقلاب تهران 16 فروردین 1401

اتهامات: 1-اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور. 2- تبلیغ علیه نظام.



فراموش شدگان جنبش کارگری ایران
در پایان قرن و آستانه سال نو
اسماعیل گرامی و علی اسحق که
نه کسی یادشان کرد،
و نه حتی رسانه‌ای در موردشان نوشت



:شاپور احسانی‌راد، زندانی سیاسی در پیام آخرش شرایطش را چنین بیان کرد
هستم و حقوق خودم و هم‌طبقه‌ای‌هایم را [کارگر#](#) زندان رفتن من به خاطر این است که
طلب کرده و برای آن ایستاده‌ام



دیدار همسر و فرزندان عبدی با اسماعیل_عبدی در ندامتگاه مرکزی کرج، در لحظه تحویل سال ۱۴۰۱
ساعاتی پیش از تحویل سال خانواده معلم زندانی اسماعیل عبدی به همراه رسول بداقی، عزیز قاسم زاده، مسعود فرهیخته و رضا مسلمی برای همبستگی با این معلم زندانی سفره هفت سین را در جلوی زندان مرکزی کرج پهن کردند

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>